روزنامه نگاری در ایران در قرن سیزدهم

در شمارهء گذشته شرحی راجع بتاریخ طبع و چاپخانه در ایران‏ نگاشتیم و وعده کردیم در دنبالهء آن مقاله تاریخ روزنامه را در ایران‏ شرح بدهیم اینک چند کلمه در این باب:

لفظ«روزنامه»و«روزنامجه»از قرون اولای اسلام در ایران مستعمل‏ بوده و در کتب قدیم بنظر میخورد.در یتیمة الدّهر تعالی لفظ روزنامجه‏ مکرّر آمده.در آن کتاب‏[چاپ دمشق جلد دوّم صفحهء 10 و11] این عبارت درج است:«ما اخرج من کتاب الرّوزنامجه للصّاحب الی‏ ابن العمید ممّا یتعلق بملح اخبار المهلّی»و باز در جای دیگر از آن کتاب‏ شرحی از کتاب روزنامجهء صاحب بن عبّاد منقول است باین عنوان«فصل‏ من کتاب الرّوزنامجه ایضا».در معجم الأدباء یاقوت حموی‏[جلد پنجم صفحهء 440]نیز شرحی از«کتاب الرّوزنامجه لأبی القسم اسمعیل‏ بن عبّاد»1نقل میکند و از همهء اینها صریحا معلوم میشود که روزنامه در آن اوقات بمعنی کتاب شرح گذارش روزنامه و یادداشت وقایع هر روزه‏ که حال بزبان فرانسه ژورنال (journal) میگویند بوده.باز در معجم‏ الأدباء[جلد ششم صفحهء 322]از قول عبد اللّه بن عبد المجید بن شیران‏ نقل میکند که او نقل کرد که محّمد بن احمد مفجع پیش پدر من میآمد و من‏ طفل بودم و او را میدیدم در اهواز و او بپدرم مراسله مینوشت و مدح‏ پدرم را هم بشعر نموده و من این مدایح را جمع کرده بودم ولی در موقع‏ دخول ابن ابی لیلی باهواز گم شد و روزنامه‏های آنها بغارت رفت‏2.

وفات عبد المجید بن شیران و مفجع هر دو در سنه 327 واقع شده.این‏ اصطلاح ظاهرا بعدها در ایران بهمین معنی باقی مانده و در قرون اخیره‏ بمعنی راپرتهای وقایع‏نگاران دولتی که از ولایات اخبار جاریه را بدولت‏ مینوشتند و بجای«صاحب البرید»های قرون اولای اسلام بودند استعمال‏ میشده چنانکه در روزنامهء«وقایع اتّفاقیّه»که در عهد وزارت میرزا تقی‏ خان امیر نظام و بعد از آن نشر میشد تمام اخبار ولایات ایران را بعنوان‏ «در روزنامهء تبریز نوشته‏اند»و در«روزنامهء نهاوند مینویسند»درج‏ میکند که مقصود وقایع خبرنگاران رسمی است(نه روزنامهء چاپی).

اوّلین روزنامهء فارسی که بسیاق جرائد فرنگستان چاپ شده بطور تحقیق معلوم نیست کدام بوده.در کتاب«مطبعه خارج از فرنگستان»3 که در شمارهء گذشته ذکرش گذشت در ذیل مادّهء دهلی(پایتخت قدیم‏ هند)ذکر شده که روزنامهء هفتگی«اکبر ایرانی»[یا«اخبار ایرانی»4] در سنهء 1798 میلادی(13-1212)در آن شهر منتشر بوده است که‏ در صورت صحّت احتمال کلّی دارد که این روزنامه فارسی بوده است چه‏ دهلی در سنهء 1218 بدست انگلیسها گذشته و پیش از آن مشکل است که‏ (1)مقصود در هر دو جا صاحب بن عبّاد وزیر مشهور آل بویه و متوفّی سنه 385 است.

(2)در نسخهء چاپی لیدن«و نهبت زورناماتها»ثبت شده و طابع کتاب در حاشیه‏ حدس زده که شاید اصل عبارت«دورنا مع ما فیها»بوده یعنی خانهای ما با آنچه در آنها بود ولی ظاهر اینست که مقصود«روزناماتها»است یعنی یادداشتها و روزنامها.

(3) L'imprimerie hors I'Europe

(4) The Persian Akbar

روزنامهء انگلیسی در آنجا دائر بوده باشد و ممکن است اسم آن روزنامه‏ «اخبار فارسی»بوده که در املای فرنگی تصحیف شده و«اخبار» در هندوستان روزنامه را گویند.

اوّلین روزنامه که در خود ممالک ایران دائر شده روزنامه‏ایست که‏ در اواسط قرن سیزدهم در طهران تأسیس شده و نمونه‏ای از مندرجات آن‏ در شمارهء 3 از سال گذشتهء کاوه درج شد.فقط خبری که برای ما از این روزنامه مانده عبارتست از آنچه در«مجلّهء انجمن پادشاهی آسیائی»1 انگلیسی(جلد پنجم سنه 1839 میلادی)درج شده.در آن مجلّه شرحی‏ در تحت عنوان«روزنامهء ایرانی»مینویسد و یک شماره از روزنامهء منطبعهء طهران را عینا بدون دخل و تصّرف بخطّ فارسی ازاوّل تا آخر نقل و درج‏ کرده و بعد ترجمهء انگلیسی آنرا ملحق مینماید و برای توضیح جزئیآت آن‏ یک مقدّمه بزبان انگلیسی مینویسد که خلاصهء مفاد آن از اینقرار است:

«ذیلا صورت یک روزنامهء فارسی که در طهران با چاپ سنگی طبع‏ شده محض نشان دادن نمونه‏ای از ترقّی سیاسی ایرانیان درج میشود.

چاپخانه بتازگی در ایران داخل شده و این روزنامه چند سالست که در تحت مدیریّت میرزا صالح دائر شده.مشار الیه یکی از وزرای اعلیحضرت‏ شاه است و بیک مأموریّت سیاسی‏2بانگلستان فرستاده شده بود.اصل‏ این روزنامه در دو ورق بزرگ چاپ میشود فقط در یک روی ورق‏ (یعنی پشت هر ورقی سفید میماند)و با خطّ خوانا و پکیده بهم نوشته‏ شده و بالای آن نشان شیر و خورشید ایرانی است».

بعد از این تفصیل عین متن روزنامه درج شده که اینطور شروع‏ میشود:

اخبار و وقایع شهر محرّم الحرام 1253\*

در دار الخلافهء طهران انطباع یافته\*

اخبار ممالک شرقیّه\*

در ذیل این عنوان اختبار طهران و سایر ولایات ایران را درج میکند وبعد در تحت عنوان«اخبار ممالک غربیّه»اخبار اروپا و عثمانیرا شرح‏ میدهد و جمعا با عنوانهای مقالات مشتمل بر 217 سطر است از سطور ذیل که محض نمونه از مندرجات آن چند سطر درج میشود:

«دار الخلافة طهران\*عالیجاه مقرب الخاقان خدا داد خان از سفارت‏ اسلامبول معاودت نمود نامه از اعلیحضرت سلطان محمود بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی آورد از آنجا که سفارت مشار الیه مستحسن‏ رای جهان‏آرای شهریاری افتاد بعد از تبلیغ نامه و عرض مراتب‏ ماموریت خود خاطر مبارک ازو خرسند گردید و پایه اعتبار عالیجاه‏ مشار الیه با علی مدارج رسید و او را بوزرات خوی مفتخر و سرافراز ..........................................................»3

در طیّ مندرجات لفظ«روزنامه»بآن اطلاق شده ولی اسم مخصوص‏ روزنامه معلوم نیست و یا اصلا نداشته.از مختصر شرحی که از مقدّمهء انگلیسی مجلّهء انجمن آسیائی نقل شد استنباط میشود که این روزنامهء فارسی چند سال پیش از سنه 1253 تأسیس و دایر شده و در اینصورت ابتدای ظهور آن‏ در اواخر عهد فتحعلی شاه واقع میشود.این شماره که نمونه‏ای از آن درج‏ (1) Journal of Royal Asiatic,vol.5 th 1839 pp.355-72

(2) diplomatic mission

(3)ترتیب املای اصلی را عینا محفوظ داشتیم

کاوه » شماره 53 (صفحه 15)

شده قریب دو سال و نیم بعد از وفات فتحعلی شاه نشر شده.میرزا صالح‏ شیرازی مؤسّس و ناشر این روزنامه باغلب احتمال همان میرزا صالح‏ شیرازی است که در شمارهء گذشتهء کاوه از اقدام او بآوردن مطبعه بایران‏ شرحی نگاشتیم.

بعد ازاین‏روزنامهء اوّلی که نه از تاریخ تأسیس آن و نه انتهای‏ انتشار آن خبر تحقیقی داریم ظاهرا دوّمین روزنامه که در مملکت ایران‏ نشر شد روزنامهء سریانی موسوم به«زاراریت بارا»است که در شهر اورمیه از بلاد آذربایجان از طرف مبشّرین آمریکائی برای کلدانیهای‏ ساکن آذربایجان بچاپ سربی نشر میشود و هنوز دائر است‏1.ظاهرا تلفّظ صحیح اسم روزنامه اینطور است«زاریری دی باهرا»و شمارهء اوّل‏ آن بتاریخ 16 صفر سنه 1267(مطابق غرّهء ماه ژانویه فرنگی سنه‏ 1851 میلادی)نشر شده‏2.روزنامهء مزبور ماهانه است.

سوّمین روزنامهء ایرانی و دوّمین روزنامهء فارسی«روزنامهء وقایع‏ اتّفاقیّه»است.شمارهء اوّل این روزنامه بتاریخ جمعهء پنجم ربیع الثّانی‏ سنهء 1267 انتشار یافته.این روزنامه بحکم و تشویق میرزا تقی خان‏ امیر نظام و مدیریّت حاجی میرزا جبّار تذکره‏چی و قونسول سابق ایران‏ در بغداد و ملقّب بناظمّ المهام(که پسر حاجی صفر علی خوئی و پدر میرزا جواد خان سعد الدّولهء حالیّه بود3)و مباشرت و مترجمی‏ برجس صاحب‏4دائر بود.میرزا عبد اللّه نامی نیز نویسندهء روزنامه بود.

بعد ازاین‏روزنامه جراید متعدّده در طهران و تبریز دائر شده‏ و تا آنجا که اطّلاع داریم قدیمترین روزنامه‏ای که در ایران بعد از روزنامهء «وقایع اتّفاقیّه»دایر شد روزنامه‏ایست که در تبریز منتشر گردیده و خبری‏ از آن در شماره‏های سنهء 1275 از وقایع اتّفاقیّه دیده میشود و از آن‏ اشارات معلوم میشود در حدود ماه رجب و شعبان از سال مزبور این‏ (1)یعنی تا وقتیکه خبر از آن داشتیم.در سالهای اخیر بواسطهء اغتشاش اوضاع‏ آذربایجان خبری از هیئت آمریکائیان مقیم اورمیه نداریم.

(2)شمارهء 12 روزنامهء مزبور از سال شصت و دوّم تاریخ غرّه دسامبر سنهء 1911 میلادی را داشت و از اینقرار این روزنامه باید در غرّه ژانویه سنهء 1850 میلادی‏ تأسیس شده باشد(؟).

(3)حاجی میرزا جبّار ظاهرا خودش مطبعه داشته و دارای اطّلاعات خارجی نیز بوده.در سنهء 1268 لقب ناظم المهامّی و خدمت رسیدگی بامور معادن و کارخانهای‏ بلورسازی باو محّول شد.

(4) Edward Burgess بقول هوتم شیندلر(در مکتوبی که بنگارندهء سطور نوشته)از آن استادان و صنعتگران متعدّدی بود که«عبّاس میرزا نایب الّسطنه از فرنگستان و خصوصا از انگلیس خواسته و مستخدم ساخت و در حدود سال 1240 و یحتمل قدری قبل از آن به تبریز آمد»و ظاهرا در کار مطبعهء تبریز بوده و«بعد از فوت عبّاس میرزا(سنهء 1249)مطبع طیپوگرافی تبریز موقوف شد و برجس‏ صاحب که در این بین باشارهء عبّاس میرزا مشغول تجارت هم شده بود چندی بعد از فوت فتحعلی شاه(1250)بدار الخلافهء طهران آمده دکّانی و انباری باز کرده اسباب‏ و اجناس فرنگی و مخصوصا انگلیسی میفروخت و جهت پیشرفت تجارت خود گاهی میان‏ طهران و تبریز سفر میکرد.از بعضی یادداشتها معلوم میگردد که در اوایل سلطنت‏ ناصر الدّین شاه و تقریبا در سال 1266 برجس صاحب را مترجم خطاب میکردند و کمی بعد در ادارهء روزنامه باتّفاق میرزا ابو الحسن غفاری و غیره مشغول شد.برجس‏ صاحب چند سال دیگر فوت شد.از زن ارمنی که منکوحهء او بود یک دختری داشت‏ و این دختر زوجهء مسیو بتن (Bottin) شد و گویا در این زمان(1330)در طهران‏ است.مسیو بتن مستخدم دولت ایران است و در قورخانه شغلی دارد»[نقل از مکتوبی که مرحوم شیندلر در سنهء 1332 بفارسی بنگارنده نوشته‏].در کتاب«منتظم‏ ناصری»در جزو حوادث سال 1270 برجیس صاحب را«مباشر روزنامه و مترجم‏ دیوان»مینامد.

روزنامه در تبریز انتشار یافته‏1.یک نسخه روزنامهء فارسی باسم‏ «آذربایجان»در کتابخانهء دولتی برلین محفوظ است که صفحهء اوّل ندارد ولی از مطالب آن صریحا استنباط میشود که بتاریخ اوایل سنهء 1276 چاپ‏ شده‏2و خیلی محتمل است که این روزنامهء«آذربایجان»همان روزنامه‏ای باشد که روزنامهء وقایع اتّفاقیّه بدان اشاره میکند که در سنهء 1275 دائر شده.

روزنامهء«مفرّح القلوب»فارسی و هفتگی در بندر کراچی هندوستان‏ ظاهرا در سنهء 1272 شروع بانتشار کرد.روزنامهء مزبور مدّت مدیدی‏ بیشتر از 30 سال مرتبّا مداومت داشته و اوایل ناشر آن محمّد شفیع‏ نام بوده(سنهء 1282)و در سال 1287 امضای میرزا مخلص علیصاحب‏ داشته و در حدود سنهء 1302.ناشر آن میرزا محمّد جعفر ومیرزا محمّد صادق مشهدی(قونسول ایران در کراچی)بوده‏اند.

روزنامهء قدیمی دیگر که در طهران نشر شد موسوم بود به«روزنامهء دولت علیّهء ایران»که از سنهء 1277 باینطرف باهتمام و مباشرت میرزا ابو الحسن خان غفاری نقّاش کاشانی ملقّب بصنیع الملک‏3دائر شد و مصوّر بود بتصاویری که خود صنیع الملک میساخت و این روزنامه درواقع‏ دنبالهء همان روزنامهء رسمی«وقایع اتّفاقیّه»بود که ظاهرا تا شمارهء 474 بآن اسم و پس از آن از وقتیکه ادارهء آن بصنعیع الملک واگذار شد باین‏ اسم جدید نشر گردید.

دیگر روزنامهء دولتی و روزنامهء علمی(روزنامهء علمیّهء دولت علیّهء ایران)و روزنامهء ملتّی است که هر سه در ادارهء علیقلی میرزا اعتضاد السّلطنه‏ و در جزو ادارهء دار الفنون نشر میشد.«روزنامهء علمیّهء دولت علیّه ایران» در سنهء 41280و روزنامهء ملّتی در سنهء 1283 دائر شده‏5.ابداری انتشار روزنامهء دولتی بنگارنده معلوم نیست و ظاهرا دنبالهء«روزنامهء دولت علیّهء ایران»نبوده چه«روزنامهء دولتی اقلاّ از سنه 1284 منتشر میشده.

در اوایل سال 1288 که ادارهء روزنامجات دولتی از علیقلی میرزا گرفته شده به محمّد حسن خان‏[اعتماد السلّطنه‏]واگذار شد روزنامهء دولتی‏ موسوم شد به«ایران»و شمارهء اوّل آن در 11 محرّم از آن سال نشر شد نویسندهء روزنامه ابتدا میرزا علی خان نائینی و بعدها مرحوم میرزا محمّد حسین ذکاء الملک بود.روزنامهء«مرآت السّفر»هم که پس از چند (1)در شمارهء مورخهء 13 رجب از سنهء 1275 وقایع اتفّاقیّه گوید:«در این‏ روزها حکم شده است که در تبریز روزنامه طبع شود که احوالات آذربایجان و غیره‏ در آن نوشته شود»و در شمارهء مورخهء 15 شوال از آن سال مینویسد:«از قراری‏ که در روزنامهء منطبعهء دار السّلطنهء تبریز نوشته‏اند».در این سال یعنی 1275 ناصر الدّین شاه به تبریز سفر کرده و عزیز خان سردار مکری حاکم آذربایجان شده است.

(2)مثلا از ورد میرزا محمّد حسین خان باسلامبول بسمت سفارت و مأموریّت‏ حسنعلی خان گرّوسی بپاریس و روانه کردن 42 نفر محصّلین ایرانی باروپا شرح میدهد و خبری از رونامهء Presse d'Orient منطبعهء اسلامبول مورخّهء 10 سپتامبر و 13 صفر ترجمه میکند.

(3)میرزا ابو الحسن خان غفّاری کاشانی نقّاشباشی صنعت نقّاشی را در فرنگستان‏ تکمیل نموده و در اوایل سلطنت ناصر الدّین شاه تقّرب مخصوص یافته و نقّاشباشی شد و در فنّ طبع نیز ماهر بود و بدین جهت کار مطبعه وروزنامه نیز بعدها بدو محوّل‏ شد.مشار الیه در سنهء 1282 در سنّ پنجاه سالگی بمرض سکته درگذشت.

(4)شمارهء اوّل بتاریخ غرّهء شعبان از آن سال است.

(5)ابتدا در 15 محرّم از آن سال شمارهء اوّل باسم«روزنامهء ملّت سنیّهء ایران»نشر شد و بعد منقطع گردید بعد از دو ماه باز بهمان عنوان نشر شد و شمارهء اوّل(که درواقع دوّم بود)بتاریخ 14 ربیع الأوّل آن سال نشر شد و از شمارهء سوم‏ باسم«روزنامهء ملتّی»موسوم گردید و جمعا 34 شماره نشر شده و آخرین شمارهء آن‏ مورّخه 20 جمادی الآخرة سنهء 1287 است.

شماره لفظ«مشکوة الحضر»نیز بعنوان آن اضافه شد از ربیع الأوّل سال‏ 1288 در سفر شاه بمازندران از طرف اعتماد السلّطنه در عرض راه‏ و منازل نشر میشد و 13 شماره از آن منتشر گردید.در همین اوقات روزنامهء «فارس»در شیراز دائر شد.این روزنامه را میرزا تقی خان کاشانی حکیم‏ باشی ظل السّطان در اوائل ورود شاهزادهء مزبور بفارس در زمان حکومت‏ سوّم او در آن ایالت بنا کرد و شمارهء اوّل آن 25 جمادی الآخرة سنه 1289 بود و ابتدا نصف بفارسی و نصف بعربی نشر میشد و از شمارهء 4 باین‏ طرف فقط فارسی شد.روزنامهء اختر فارسی در اسلامبول در سنه 1292 تأسیس شد و آقا محمّد طاهر تبریزی ناشر آن بود و کمی بعد یعنی در سنه 1293 یک روزنامهء فرانسوی در طهران تأسیس شد باسم«لاپاتری» که مدیر آن چنانکه در شماره گذشته ذکر شد بارون نورمان بلژیکی بود که برای‏ همین مقصود ویرا یکسال قبل از آن بایران خواسته بودند ولی ازاین‏روزنامه‏ فقط یک شماره نشر شد مورّخه 9 محرّم 1293 و چون دم از آزادی زد موافق‏ طبع شاه نیفتاد و توقیف شد.«روزنامهء نظامی علمیّه و ادبیّه»نیز در همان‏ سال از طرف میرزا حسین خان سپهسالار تأسیس شد و در«مدرسهء مبارکهء اتاماژور»نشر میشد و شمارهء اوّل آن بتاریخ 29 ذی العقده 1293 انتشار یافت و ظاهرا تا سنهء 1297 دائر بود1.روزنامهء«مرّیخ»که نظامی‏ و علمی بود در سنهء 1296 دائر شد و شمارهء اوّل آن در پنجم محرّم از آن سال منتشر گردید2.روزنامهء نیم رسمی«اطلاع»را در سنهء 1295 باز محمّد حسن خان اعتماد السّلطنه تأسیس کرد.روزنامهء«فرهنگ»در اواسط سنهء 31296در اصفهان و روزنامهء«تبریز»در ابتدای سنه‏ 1297 در تبریز دائر شد.روزنامهء دانش را علیقلی خان مخبر الدّوله‏ در سنهء 1299 تأسیس و در دار الفنون طبع میکرد4و نویسندهء آن میرزا کاظم معلّم شیمی معروف بود.روزنامهء«اردوی همایون»که روزنامهء سیّاری‏ بود در سنهء 1300 در طیّ سفر دوّم ناصر الدّین شاه بخراسان از طرف‏ اعتماد السّطنهء سابق الذّکر در منازل عرض راه میشد5.روزنامهء مدّرس فارسی در بمبئی در ربیع الوّل سنه 1300 دائر شد و مدّتی دوام‏ کرد.بالأخره اگر روزنامهء حکیم الممالک(میرزا علینقی خان پسر آقا اسمعیل‏ جدید الأسلام)را نیز که گویا بامضای وی ولی درواقع بقلم خود ناصر الدّین شاه نوشته میشد و از همه جهت سه شماره بیشتر نشر نشد6ذکر کنیم‏ گویا فهرست مختصر جراید ایرانی و فارسی قرن سیزدهم را تمام کرده باشیم.

\*\*\* این بود شمّه‏ای از تاریخ جراید فارسی و ایرانی در قرن گذشته که‏ طلیعهء نشریّات سیاسی و علمی ایران بودند و شاید بنشو و نمای تخم بیداری‏ عامّه که منتهی بمشروطیّت شد کمک کردند.بعد از مشروطیّت روزنامه‏ها (1)جمعا 64 شماره نشر شد و شمارهء اخیر بتاریخ 23 جمادی الآخرة سنه 1297 بود.

(2)جمعا 18 شماره نشر شد و شمارهء اخیر بتاریخ 16 جمادی الآخرة سنه 1297 بود.

(3)شمارهء اوّل آن در دوّم جمادی الأولی از آنسال انتشار یافت.

(4)شمارهء اوّل آن مورّخه 23 رجب از آنسال است.

(5)جمعا 12 شماره نشر شد که اوّلی در دماوند بتاریخ 11 شعبان از آن سال‏ و آخری در طهران بتاریخ 12 ذی الحجّه نشر شد.

(6)تاریخ انتشار این جریده درست معلوم نیست ولی باحتمال کلّی قبل از سنه 1300 است.حکیم الممالک در سنه 1278 از فرنگ برگشت و تا آخر عمر در خدمت دولت بود.

در ایران بیش از انتظار فراوان شد1و روزنامهای روزانه که قبل از مشروطیّت فقط«خلاصة الحوادث»منتشر در سنه 1316 نمونهء کوچکی‏ از آنها بود وفور پیدا کردند.اگر اشکالاتی که هنوز روزنامهای ایرانی‏ از بیسوادی عامّه و کمی مشتری و کسادی متاع دوچار آن هستند در نظر گرفته شود زحمت و اشکال نشر روزنامهء فارسی ملّی و غیررسمی در قرن‏ سیزدهم واضح میشود.حکایت ذیل محض نمونه از این اشکالات‏ بی‏مزه نیست.

روزنامهء«سیّد الأخبار»که روزنامهء بزرگ فارسی بود و هفتگی در حیدرآباد دکن(از ممالک هند)نشر میشد2در یکی از شماره‏های خود شکایت زیاد از نرسیدن وجوه اشتراک کرده و شرحی مدح و ثنا از شهر تبریز و رجال آن و معرفت و علم آنها نموده و بالأخره بعد از چیدن مقدّمهء با آب‏وتابی از میرزا یوسف خان مستشار الدّولهء تبریزی تمجید کرده‏ و مینویسد که مشار الیه«مرحمت فرموده»وجه اشتراک معمولی جریده را فرستاده‏اند!!

از ملاحظهء جراید امروزهء ایران نیز معلوم میشود مملکت ما در این‏ باب در سی و چند سال اخیر ترقّی زیادی نکرده است ولی در دو فقرهء دیگر فرق زیاد میان جراید این عصر و آن عهد موجود است و آن عبارتست‏ از آزادی جراید که در این زمان ترقّی زیادی نسبت بآن زمان در اینباب‏ موجود است و فصاحت زبان فارسی که بدبختانه بالعکس تنزّل فاحش در آن‏ روی داده و حالا بکلّی زبان ادبی مسخ و ضایع شده.یکی از مزایای زبان فارسی‏ که در کتب فرنگی آنرا مدح میکنند آنست که زبان ما بمرور زمان خیلی نامفهوم‏ و عوض نشده و در صورتیکه زبان عهد شکسپیر شاعر انگلیسی را امروز عامّهء انگلیس‏ها باسانی نمیفهمند زبان فردوسی بروستائیان ایران نیز امروز پرغیر مفهوم و مشکل نیست.لکن معجون عجیبی را که در قسمی از جراید ایران‏ اخیرا پیدا شده اگر نویسندگان پنجاه سال قبل ببینند همانا«گر تو ببینی‏ نشناسیش باز»بر آن صادق آید گذشته از آنکه اهالی فارسی‏زبان حالیّهء ایران هم‏ که آشنا بان زبان مصنوعی نباشند ابدا یک کلمه نمی‏فهمند.مثلا در 20 سال پیش‏ اینطور مینوشتند«این عبارت برای بیان اوضاع حالیّه و اتفّاقاتی که رخ داده‏ و میدهد وافی نیست»و امروز هیمن مطلب را سیاسیّون«شهیر»طهران‏ اینطور مینویسند«این فراز برای افادهء وضعیّات کوران سیاست روز مرّه که عرض اندام کرده مبهمیّت نامحدودی را دربر دارد».واقعا زبان‏ فارسی سفرنامهء خسرو و سفرنامهء اوّل ناصر الدّین شاه بفرنگ بقدری کمتر با همدیگر فرق دارند که یک نفر خارجه بزودی تشخیص مدّتی را که در میان آنها گذشته نمیدهد ولی مقالات بعضی جراید سالهای اخیر از زبان‏ پهلوی هم مشکل‏تر شده.باین مناسبت باید بگوئیم که در روزنامهای‏ فارسی جنوب ایران که ظاهرا سرچمشهء معلوماتشان مجلاّت عربی مصر و سوریّه است(برخلاف جرائد شمالی که تقلیدشان بادبای باکو و اسلامبول است)نمونه‏های خوبی از فارسی مفهوم اهل لسان دیده میشود و این مایهء مسرّت است و امید میدهد که نشریّات فارسی از وطن سعدی‏ و حافظ حیات جدیدی و فارسی ادبی و ساده رونقی نوین گیرد.

قسمت زیادی از مندرجات این مقاله از رسالهء سابق الذّکر میرزا محمّد علی خان تربیت و کاغذ هوتم شیندلر و تقویم بزرگ جراید عالم‏ بانگلیسی‏3اخذ شد.

(1)بحساب نگارندهء سطور و تا آنجا که اطلاّع حاصل کرده‏ایم از ابتدای ایجاد جراید فارسی تا اواسط سنهء 1332 یعنی چند ماه پیش از جنگ اروپا 413 جریدهء فارسی یا مخلوط بفارسی در دنیا و جراید غیرفارسی در ایران رویهمرفته منتشر شده بودند.

(2)در سنه 1306 شروع بانتشار کرد.

(3) Newspaper Press Directory

Reichsdruckerei,Berlin SW 68